

ترجمه انگلیسی این مقاله نیز با عنوان:
Architectural Proving Ground: A Novel Approach to the Visual Re-Creation of
Hidden Spaces in Historic Cities (Case Study: Religious Buildings in Rasht, Iran)
در همین شماره مجله به چاپ رسیده است.

مقاله پژوهشی

آزمون گاه معماری؛ رویکردی نوین در بازآفرینی تصویری مکان‌های ناپیدا در شهرهای کهن (مطالعه موردی: بناهای مذهبی شهر رشت)

مصطفی بلورچی*

گروه معماری، دانشکده معماری، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران.

تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۶/۰۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۳/۱۰

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۸/۱۱

چکیده

بیان مسئله: شهرهای معاصر نیازمند هویت‌مندی و هویت‌یابی مکان‌های تاریخی‌شان هستند و در این راستا بازیابی مکان‌های ناپیدا حائز اهمیت است، مقصود از مکان‌های ناپیدا در این پژوهش، بناهای واجد ارزش تاریخی‌اند که اکنون نمود کالبدی یا وجود ندارند.

هدف پژوهش: هدف پژوهش ارائه گونه‌ای متفاوت از تاریخ شفاهی ذیل مطالعات میدانی است که نه تنها شنیداری، بلکه واجد جنبه‌های دیداری است، رویکردی نوین که وابستگی بسیار به کنش و واکنش شاهد (مصاحبه‌شونده) و میدان پژوه (مصاحبه‌کننده) دارد؛ و حرکت فیزیکی/ذهنی در فضا-زمان، بازشناسی پلان یا روند توسعه فرم ساختمان‌ها، و عناصر و جزئیات بناهای کهن را نشانه می‌گیرد، که پژوهش حاضر آن را «آزمون گاه معماری» می‌نامد.

روش پژوهش: پژوهش حاضر کاربردی و از نظر ماهیت، توصیفی-تحلیلی است و به روش کیفی صورت گرفته، و نمونه‌گیری بصورت مرحله به مرحله با ترکیب سه شیوه آسان، گلوله برفی و هدفمند انجام شده است. جامعه آماری این پژوهش از بُعد کالبدی-فضایی، ابنیه مذهبی شهر رشت از دوره صفویه تا پهلوی دوم است؛ و از بُعد نیروی انسانی، شاهدان محلی و سالخوردگانی هستند که عامل اجرا و یا شاهد رویدادهای مرتبط با این بناها بوده‌اند.

نتیجه‌گیری: تحلیل یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که در شرایط آزمون گاه معماری، تجربیات زیست‌شده شاهدان با هدایت میدان پژوه، در گام‌هایی روشمند با ارائه و آزمون فرضیه‌هایی، از طریق مکان‌مند شدن فضای ذهنی شاهدان و معنادار شدن این مکان‌ها، منجر به انکشاف روند تغییرات و توسعه بناهای کهن در ادوار تاریخی در محدوده پژوهش شده، و چارچوبی علمی را عرضه داشته که چگونگی کارکرد آزمون گاه معماری برای رهیافت به بازآفرینی تصویری مکان‌های ناپیدا و شناسایی فضاهای گمشده در برگیرنده این مکان‌ها (مانند: خاطرات شاهدان و رویدادهای مرتبط با آنها) در شهرهای کهن را نشان می‌دهد.

کلیدواژه‌ها: رشت، بناهای مذهبی، بازآفرینی تصویری، تاریخ شفاهی، آزمون گاه معماری.

مقدمه

شهری شتافت؛ اما پیدایی هویت مکان‌ها از فضاهای گمشده، یکی از مخاطره‌آمیزترین، ظریف‌ترین و چالش‌برانگیزترین پروژه‌های مطالعاتی در حوزه معماری و شهرسازی است. البته مقصود از این نوع مطالعات، قرارگیری در شرایطی است که به دلیل ملاحظات اجتماعی و ضوابط شهرسازی، امکان گمانه‌زنی در محوطه‌های تاریخی یا کاوش باستان‌شناسی بناهای کهن در فضاهای عمومی همواره برقرار نیست و نقطه اتکاء این مطالعات، با آزمون فرضیه‌های برآمده از منابع مکتوب و داده‌های دیداری-شنیداری تعریف می‌شود. از سوی دیگر این مسئله را باید در نظر داشت که جست‌وجوی مکان‌های ناپیدا، تنها

امروزه بیش از هرچه نیازمند اقداماتی در راستای هویت‌یابی، بازیابی فضاها و بازآفرینی کهن‌ابنیه ناپیدا در شهرهای معاصر هستیم، با این حال گم‌گشته‌بودن این مکان‌ها و فضای حول آن، به سان چندپارگی نخ تسبیحی است که بافتن ریسمن مفقود شده آن، بافتار هویتی یک شهر را به انسجام‌بخشی سوق می‌دهد. با وجود اینکه می‌توان از زوایای مختلفی چون باستان‌شناسی، اسطوره‌شناسی، تاریخ هنر، ادبیات، عرفان (حائری، ۱۳۹۳، ۴۳) و... به جست‌وجوی مکان‌ها و فضاهای

*نویسنده مسئول: ۰۱۳۳۳۵۵۸۴۶۳، mostafa.bolourchi@iau.ac.ir

عمیقی برسد (سرمد و همکاران، ۱۳۹۳، ۸۹) هر فاز مطالعاتی، نتایج مطالعات در برهه زمانی مشخص و یا متغیر است که یک یا چند مورد ذیل را شامل می‌شود:

الف- داده‌های شفاهی به‌صورت خام و یا تحلیل شده؛

ب- مطالعات کتابخانه‌ای چارچوب‌مند، در حال تکوین و یا تجزیه و تحلیل شده؛

ج- تصاویر و یا نقشه‌های تاریخی (به‌صورت مقیاس‌گذاری شده با خروجی‌های جدید)؛

د- خروجی‌های تصویری در قالب پلان‌ها و تصاویر سه‌بعدی.

ه- بررسی تناقضات ابنیه پس از گردآوری داده‌های شفاهی و مدل‌سازی‌های اولیه از روش AHP؛

و- گرسیمون مرحله به مرحله میدان‌پژوه با شاهدان کلیدی.

هر فاز مطالعاتی این موارد را تطابق بخشیده و یا تأیید، تکذیب یا تکمیل کرده و یا در حالتی دیگر، به فرایندهای جدید دست یافته است. برای مواجهه با هر فاز از سوی پژوهشگر، رویکردی نظری و روش‌شناختی از پیش تعیین شده است، اما این رویکرد به مرور زمان، انعطاف‌پذیر و تکامل‌گرا شده است. جامعه آماری از بعد کالبدی- فضایی، دربرگیرنده فضاها و ابنیه مذهبی شهر براساس تقسیم‌بندی محلات هفت‌گانه رشت بوده که از دوره صفویه تا به امروز براساس منابع تاریخی مکتوب از جمله: کتاب‌ها، سفرنامه‌ها، اسناد، نقشه‌های قدیمی (شامل: نقشه ۱۲۴۶ه.ش، ۱۳۲۷ه.ش، ۱۳۳۲ه.ش و ۱۳۴۵ه.ش)، عکس هوایی سال ۱۳۳۵ه.ش، ترسیمات و تصاویر بررسی شده‌اند. از بُعد نیروی انسانی نیز شاهدان محلی و افراد سالخورده‌ای که در وقایع مرتبط با ابنیه مذهبی (اعم از تغییرات و تحولات کالبدی- فضایی و حوادث رخ داده)، به‌عنوان یک عامل و یا یک شاهد حضور داشته‌اند، جزء جامعه آماری پژوهش حاضر محسوب می‌شوند.

نقش پژوهشگر در این پژوهش، فعال و مؤثر بوده است. پژوهشگر نه به‌عنوان داوری جزمی، بلکه به‌عنوان ناظری درحال یادگیری ورود می‌کند؛ و محیط پژوهش، برخلاف پارادایم کمی که کنترل شده و مصنوعی است، پارادایمی کیفی، طبیعی و آزاد است. جزمیت علمی، در اعلام نتایج این تحقیق جایگاهی نداشته و تحقیق، نسبی و منعطف است (Safaeipour, 2016, 84; Groat & Wang, 2005, 191).

قلمروی معنایی پژوهش، باز و مبتنی بر تفاسیر معمارانه در کنار تحلیل‌های تاریخی، جغرافیایی، اجتماعی و فرهنگی است. انتخاب و ترکیب روش‌ها و ابزار پژوهش، فرایندی تدریجی بوده و از انجام مطالعات کتابخانه‌ای و طرح پرسش‌های میدانی و پیش‌فرض‌سازی نحوه برخورد پژوهشگر با شاهدان در فرایند میدان‌پژوهی آغاز شده است. در این چهارچوب مفهومی، هر لایه جدید، محقق را در جامعه آماری کوچک‌تر و در فاصله‌ای نزدیک‌تر نسبت به پرسش اصلی پژوهش قرار داده است. با نزدیک‌تر شدن به موضوع پژوهش، درگیری محقق با میدان افزایش یافته، ارتباط فعال‌تر و مؤثرتری

به معنای بازآفرینی کهن‌بناهای مذهبی ناپیدا در تطور تاریخی شهرها نیست، بلکه مقصود را می‌توان ناپیدایی تکه‌ای از هویت شهر دانست.

رشت، شهری با تاریخ غنی بوده که از ساختار فضایی- کالبدی آن تا پیش از دوره قاجار، اسناد کمی یافت شده و دوره‌های تاریخی پیش از قاجار تنها محدود به نقل و قول‌های مورخان، سیاحان و سفرنامه‌نویسان و چند نقاشی است (سفر دوست، ۱۳۸۴، ۷۱). بسیاری از آثار و بناهای کهن پیش از دوره قاجار بر اثر حوادث طبیعی، رخدادهای اجتماعی و در روند توسعه شهر دچار آسیب‌های جدی و یا تخریب شدند و تعداد کمی از این بناها در اواخر دوره قاجار یا سال‌های ابتدایی دوره پهلوی اول مرمت و بازسازی شدند. در محدوده پژوهش، بالا بودن استهلاک ابنیه به دلیل رطوبت فراوان منطقه بررسی‌های تاریخی را با مشکل مواجه کرده است، زیرا عمر مفید ساختمان‌ها بسیار پایین بوده و عجیب نیست که کمتر بنایی از ادوار پیش از قاجار تاکنون باقی مانده باشد. با این حال پاک شدن نقاط مرجع و عدم پیوند این نقاط با نقاط ایجاد شده جدید در محلات، سبب از هم گسیختگی کالبدی شده و تک بناهای جدید همچون یک سلول جهش یافته بدون ارتباط با مرجع خود، به مانند قارچی خود رو رشد یافته‌اند و از هر گوشه شهر سر برآورده‌اند. این گونه است که کهن‌الگوهای معماری تغییر یافته‌اند. به منظور بازیابی هویت تاریخی ابنیه‌ای که در گرد و غبار حوادث طبیعی یا انسانی در تاریخ این شهر، حذف یا گم‌شده‌اند، نیازمند روش‌های کارآمد و نوینی هستیم که توانایی استخراج مؤلفه‌های اثرگذار از طریق میدان‌پژوهی و پاسخ به پرسش‌های بسیاری را داشته باشد و نمایان‌گر کالبد و فرم ابنیه شود. از این حیث پژوهش حاضر نتایج جستارهای خود را بر روی معماری مذهبی رشت متمرکز کرده؛ و رویکردی نوین، در حوزه تاریخ شفاهی شنیداری- دیداری در حوزه معماری را عرضه می‌دارد که چگونگی انکشاف روند تاریخی تغییرات و توسعه بناهای کهن در ادوار تاریخی و رهیافت به بازآفرینی تصویری مکان‌های ناپیدا، و شناسایی فضاهای گم‌شده دربرگیرنده این مکان‌ها (مانند: خاطرات شاهدان و رویدادهای مرتبط با بناهای تاریخی) در شهرهای کهن را نشان می‌دهد.

روش پژوهش

پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی و از نظر ماهیت، توصیفی-تحلیلی است و به روش کیفی صورت گرفته است؛ ابتکار حاصل از این پژوهش، مدل‌سازی فرایندی نوین در بستر تطابق مطالعات کتابخانه‌ای، میدانی، و ارائه و آزمون فرضیه‌های مکتوب و تصویری از آن قابل بررسی است؛ و در چهار فاز مطالعاتی - فاز صفر (پیش‌آزمون‌گاه) و سه فاز دیگر (آزمون‌گاه)، به گردآوری و تجزیه و تحلیل اطلاعات پرداخته است. در این پژوهش نمونه‌ها از جنبه‌های بی‌شماری در فازهای مطالعاتی بررسی شده، نمونه‌های انتخابی نمایان‌کننده وضعیت یا حالت کلی تحت مطالعه، یا مثالی از پدیده‌هایی است که پژوهشگر می‌خواهد درباره آنها به درک

- روش نمونه‌گیری

در پژوهش حاضر، از سه لایه، جهت نمونه‌گیری (به‌صورت مرحله به مرحله) در مطالعات میدانی از طریق تاریخ شفاهی استفاده شده که هر یک به ترتیب زیر تبیین می‌شوند:

لایه اول؛ روش نمونه‌گیری آسان: در این لایه، ابتدا جامعه هدف (افراد در دسترس یا داوطلب) شناسایی و برای مصاحبه انتخاب شدند. و سپس شاخص‌های نمونه‌گیری از منتخبین تعیین شد؛ که موارد ذیل را شامل می‌شود:

الف- جنسیت

ب- سن

ج- محلی بودن

د- نوع پیشه (پیشه شاهدان در گذشته مرتبط با مساجد بوده، و یا پیشه این افراد ارتباطی نداشته و تنها نظاره‌گر وقایع مربوطه بوده‌اند)

ح- سمت (نقش شاهدان در ارتباط با بنا).

لایه دوم؛ روش نمونه‌گیری گلوله برفی: با کاربست روش گلوله برفی جامعه هدف گسترده و پراکنده و ناهمگن در لایه اول، به لحاظ کمی کوچک‌تر و همگن با موضوع پژوهش و شامل افرادی مانند: معتمدین محلی، ائمه جماعات، هیئت‌امناء، خادمان، احداث‌گران، تخریب‌کنندگان، و افرادی که در نوسازی، بازسازی، مرمت مساجد و در برگزاری مراسمات دینی و آیینی مشارکت کرده بودند می‌شوند، در همین لایه است که «شاهدان کلیدی» شناسایی می‌شوند، شاهدانی که استناد به داده‌های شفاهی و حافظه تصویری آنها از اعتبار بیشتری نسبت به دیگر شاهدان برخوردار است.

لایه سوم؛ روش نمونه‌گیری هدفمند: تمرکز این نمونه‌گیری بر شاهدان کلیدی شناسایی شده برپایه لایه‌های پیشین بوده، به عبارتی میدان پژوه کوشیده تا به صورت هدفمند، بر مبنای اینکه چه نوع اطلاعات خاصی در پی یافته‌های اولیه مورد نیاز است شاهدانی را انتخاب کند. این موضوع که چه کسانی انتخاب شوند، تحت تأثیر این مسئله بود که در مراحل قبل با چه کسانی مصاحبه شده و چه نوع اطلاعاتی از آنها دریافت شده است. در واقع فرایند کسب داده‌های تکمیلی از طریق آزمون‌های مختلف و به ویژه «آزمون گرسینون مرحله به مرحله» که مختص «شاهدان کلیدی» است، شاهدانی که با وجود حافظه تصویری قابل قبول از تاریخ و معماری گذشته طبیعتاً دارای محدودیت زمانی است زیرا حافظه یک فرد به حداکثر دو نسل قبل از خود محدود می‌شود. با سیر پیشرفت و تکامل مطالعات آن، هدفمند شده و ویژگی اصلی آن، راستی‌آزمایی اطلاعات جمع‌آوری شده و فرضیه‌های تبیین‌شده حاصل از داده‌های کتابخانه‌ای فاز صفر و میدانی و آزمون فرضیه‌ها در روند مطالعات میدانی در سه فاز بعدی بود.

مراحل روش‌های نمونه‌گیری: ترکیب سه شیوه نمونه‌گیری (آسان، گلوله برفی و هدفمند) به ترتیب و بصورت چندمرحله‌ای

با زمینه پژوهش برقرار شده و شاهد، آزادی عمل بیشتری پیدا کرده و بر انسجام و قدرت گفت‌وگو بین میدان پژوه (مصاحبه‌گر) و شاهد افزوده شده و پیچیدگی و عمق داده‌ها افزایش یافته است (ibid., 2016, 101-102).

• روش‌شناسی تاریخ شفاهی

تاریخ شفاهی با استفاده از روش خاصی انجام می‌گیرد که از روش‌های طبیعت‌گرایانه و پژوهش‌های کیفی است. روش‌های طبیعت‌گرایانه، مترصد تبیین پیچیدگی‌های انسان هستند. آنها به پیچیدگی آدمی و توان او برای شکل‌دهی به تجربیات خود و اینکه حقیقت، ترکیبی از واقعیات است اعتقاد داشته و تأکید زیادی دارند که تجربیات انسان را از طریق جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل ذهنیات و شرح حال‌های او، به همان‌گونه که هست درک کند (ادیب حاج باقری و همکاران، ۱۳۸۲، ۲۳). بنیان تاریخ شفاهی بر مصاحبه استوار است. مصاحبه نیز به زبان ساده همان پرسش و پاسخ و گفت‌وشنودی است که با یک فرد درباره سرگذشت یا یک بخش از سرگذشت او یا موضوع، حادثه یا واقعه، یا مکان و... شکل می‌گیرد؛ میدان پژوه می‌تواند آنچه را که شاهدان می‌گویند را به سرعت در ذهن خود بازسازی کرده تا بتواند در تقابل خیال خود با روایت شاهدان، ناخالصی وارد شده در واقعیت را شناسایی کند (جوان‌بخت، ۱۳۹۴، ۵۴۲-۵۴۱). تکنیک مصاحبه می‌تواند بخشی از فرایند پروژه طراحی باشد و دسته‌بندی مصاحبه را تعریف کند که آن را به همان روشی که به یک نقشه معماری اشاره می‌کنیم، تبدیل به معماری می‌کند. مصاحبه نه تنها به عنوان مکانیسمی برای کسب اطلاعات، بلکه به عنوان قالبی استراتژیک از خود پروژه نیز استفاده می‌شود، یعنی یک استراتژی ثمربخش که به عنوان پاسخ به نیازها مطرح می‌شود و با روش‌های اختصاصی برای نمایش یک پروژه عمل می‌کند (Cantero Vinuesa, 2022, 99). یکی از نکاتی که میدان پژوه باید به آن توجه کند، انتخاب اماکن و یا محل مصاحبه است. محل انجام مصاحبه باید به هر لحاظ برای گفت‌وگو مناسب باشد. فراهم نمودن محیط مناسب یکی از ملزومات مصاحبه خوب است و نباید به سادگی از آن گذشت. میدان پژوه نمی‌تواند همواره یک مکان را برای همه مصاحبه‌شوندگان در نظر بگیرد؛ چراکه گاهی راوی خود، خواهان تعیین محل مصاحبه است؛ خیلی‌ها علاقه‌مندند که مصاحبه در منزلشان انجام گیرد، چراکه راحت‌ترند یا اینکه برخی راویان به دلیل مشغله‌های گوناگون ترجیح می‌دهند مکان مصاحبه در محل کارشان صورت پذیرد (آقایی، ۱۳۹۴، ۵۵۴). در این پژوهش از فضاهایی چون داخل مساجد و ابنیه مذهبی، گذر عمومی محلات، منزل یا مغازه شاهدان و دفتر پژوهشگر استفاده شد، در مواردی پژوهشگر برای رهیافت به داده‌های تکمیلی، گفت‌وگوی شفاهی و تصویری با شاهدان کلیدی را، با حرکت در فضای محدوده مورد مطالعه پیشبرد، تا به بازیابی حافظه تصویری خود برای شبیه‌سازی عناصر و جزئیات کمک کند.

مبتنی بر رویکرد «آزمونگاه معماری» است، که برآیند آن را می‌توان در ارائه فرضیه‌های تصویری عرضه کرد.

• مکان‌های ناپیدا

فضا یک ظرف، هندسه بی‌طرف و منفعل نیست، بلکه دائماً تولید و از طریق مناسبات و روابط اجتماعی-فضایی، و به طور کلی روابط بین «فرم‌ها» و «فرایندها» دچار بازساخت می‌شود. بنابراین رفتار فضایی مبتنی بر قوانین طبیعی نیست، بلکه محصول و برآیند روابط و مناسبات فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی است. درک ارتباطی و نسبی از فضا، در واقع به تحلیل‌هایی درباره اینکه فضا چگونه ساخته می‌شود و از طریق کنش‌های انسانی معنا می‌یابد، اولویت می‌دهد (شورچه، ۱۳۹۴، ۲۳-۲۴)، برپایه دیدگاه نوبرگ-شولتز^۳ (Norberg Schulz, 2014, 21-23) فضای انسانی حسب ادراک بی‌واسطه، موضوع مدار بوده و رسیدن به مرکز که از دیرباز در نهاد آدمی وجود داشته به مثابه نقاط آغازین حرکت در محیط محسوب می‌شود. و از این منظر مرکز، جایی است که انسان فهمیم و دارای ادراک در فضا به دست آورده و در واقع مراکز که به عنوان مکان‌های کنش برای مقاصد ویژه‌ای برپا می‌شوند. حال برای شناخت بهتر مفهوم مکان، شاید بهتر باشد این موضوع را ابتدا در نظر داشته باشیم که انسان، منابع طبیعی سیاره زمین را مورد بهره‌برداری قرار می‌دهد تا در برابر سیاره فیزیکی، یک سیاره فرهنگی خلق کند (شکویی، ۱۳۷۱، ۳۰-۲۹). عواملی نظیر فرهنگ، اقلیم، اقتصاد، و سیاست‌های حاکم بر جامعه، در ساخت ویژگی‌های مکانی مؤثرند (Rezvani & Ahmadi, 2008, 50). از سویی، معنای هویت، با مفاهیم تمایز، ثبات، پایداری و حتی اجتماع‌پذیری مترادف است و از سوی دیگر، مکان‌ها خود به ذات هویت‌بخش هستند و عناصر و اجزای اصلی هویت را شکل می‌دهند. نوبرگ-شولتز (Norberg Schulz, 2014, 115) مکان را ارزشی مشترک می‌داند که ما آن را با دیگران سهیم هستیم؛ به همین دلیل بناهای کهن مذهبی نقطه تمرکز پژوهش حاضر بوده‌اند، شاید دو عامل عمده را بتوان موجب نابودی یا ناپیدایی فضاها و بناهای کهن دانست، یک عامل را بدون مداخلات انسانی مورد نظر قرار داد که علل طبیعی‌ای چون سیل، زلزله، رانش زمین و یا فرسودگی بنا و... موجب آن شده؛ و عامل دیگر تحت تأثیر مداخلات انسانی است که با تعمد سیاسی از بالا به پایین مرتبط بوده و تحت تأثیر اعمال قدرت حاکمیت است و یا از طریقی دیگر چون مداخله‌گری قدرت‌های خارجی و استعمارگر و یا رقبای منطقه‌ای، و یا تخریب‌های پیش‌آمده از تجددگرایی بافت‌های کهن و خیابان‌کشی‌هایی که تحت تأثیر آن صورت گرفته؛ و یا اینکه اقدامی خودجوش از پایین به بالا توسط نیروهای مردمی، انقلاب‌گر، اصلاح‌طلب و یا حتی آشوب‌گران، موجب نابودی بناهای تاریخی شده باشد. اما معناپذیر شدن مکان‌های ناپیدا و مکان‌مند شدن فضاها از هزارتوی زمان در اذهان شاهدان بازمانده

است، فرایند انتخاب نمونه‌ها در پژوهش حاضر به گونه‌ای است که در هر مرحله تعداد واحدهای انتخاب نمونه کوچک‌تر و داده‌های دریافتی دقیق‌تر می‌شوند؛ در لایه اول (نمونه‌گیری آسان) پژوهشگر درصدد استخراج داده‌های اولیه است و از این حیث با جامعه هدف گسترده و پراکنده و ناهمگن مواجه می‌شود، در لایه دوم (نمونه‌گیری گوله برفی) جامعه هدف به نسبت لایه اول کوچک‌تر و دارای یکپارچگی بیشتر و همگن با موضوع پژوهش است، و نهایتاً لایه سوم (نمونه‌گیری مبتنی بر هدف) منجر به شناسایی شاهدان کلیدی و کسب داده‌های تکمیلی خواهد شد.

رویکرد «آزمونگاه معماری»

واژه «آزمونگاه» در پژوهش حاضر، ترکیبی است که فضا یا محل آزمودن را معنا بخشیده؛ علت استفاده از این واژه در پژوهش تبیین رویکرد و کارکردی نوین در تاریخ شفاهی معماری است. این رویکرد در حین اشتراکاتی که با دیگر مؤلفه‌های تاریخ شفاهی دارد، تفاوتی حائز اهمیت را نیز نمایان می‌سازد. همان گونه که محل شکل‌گیری تاریخ شفاهی، فضایی برای ایجاد گفتگویی میان شاهدان (به‌ویژه شاهدان کلیدی) و میدان‌پژوه برای بازگویی خاطرات و رخدادهاى گذشته بوده، و از این منظر، یادآوری خاطرات می‌تواند به ترسیم و روایت معماری گذشته کمک کند (Ardhyanto et al., 2023, 18)؛ «آزمونگاه معماری» نیز واجد این شرایط است، اما آنچه آزمونگاه را متفاوت می‌سازد، شکل‌گیری فضایی برای بازسازی کالبدی و تصویری ابنیه‌ای است که یا وجود ندارند و یا اندک آثاری از بقایای گذشته آنها باقی مانده است. برای رهیافت به فرضیه‌های تصویری، شاهدان و میدان‌پژوه، هر دو کار دشواری پیش‌رو دارند، چراکه این اقدام از بیان خاطرات و رخدادها فراتر رفته، و نیازمند روش‌هایی برای بازیابی ذهن تصویری است و اتکاء به حافظه شاهدان دارد، که می‌تواند منبع جایگزینی را برای بازسازی تصویر معماری گذشته و محیط ساخته شده فراهم نماید (ibid., 2023, 5). روش‌هایی که در طی مطالعات میدانی به تدریج شناسایی شده است؛ میدان‌پژوه (مصاحبه‌گر) نیز هوشمندانه براساس اطلاعاتی که از مطالعات کتابخانه‌ای به‌دست آورده، نقش مؤثری بر جهت‌بخشی حافظه تصویری شاهدان ایفا می‌کند؛ در آزمونگاه بعضاً آنچه مورد آزمون قرار می‌گیرد، همان فضایی است که شاهدان و میدان‌پژوه در آن حضور یافته‌اند؛ چراکه با حضور در این فضا است که مکان، فرم و عملکرد ابنیه مورد نظر را نیز بازنمایی و بازیابی می‌کنند.

مبانی نظری پژوهش

تکیه مبانی نظری بر شناخت فضاهای گم‌گشته و مکان‌های ناپیدا شهر رشت و کاربست تاریخ شفاهی شنیداری-دیداری

گفت‌وگو را به سویی می‌کشاند که می‌خواهد و در واقع تاریخ شفاهی در بین شاهد و میدان‌پژوه شکل می‌گیرد و تکوین می‌یابد. هنگامی که مفهوم «معماری» به «تاریخ شفاهی» افزوده شود، آن را پیچیده‌تر نیز می‌کند. معماری فاعلانی دارد؛ از بانی، حامی و واقف گرفته، تا معمار و بنا و کارگر و اقسام مهندسان و هنرمندان؛ این فاعلان معماری یا فقط عامل رویداد معماری‌اند و کسانی که شاهد کارشان بوده‌اند؛ یا خود، هم عامل رویداد و هم شاهد آن بوده‌اند. همچنین کسانی که شاهد رویدادها و زندگی جاری در بناها بوده‌اند، یا رخدادهایی مربوط به مراحل گوناگون چون طراحی و ساختن بناها و زیستن در آن، یا متروک و ویران شدن بناها و تخریب آنها را دیده‌اند (قیومی بیدهندی، ۱۳۹۳، ۱۴-۱۵).

یافته‌ها

رویکرد اصلی میدان‌پژوه در قبال شاهدان در آزمون‌گاه معماری، این بوده که برای یافتن فضاهای گمشده، به بازآفرینی تجربیات زیست‌شده شاهدان مبادرت ورزند تا به مکان‌مند شدن فضاهای ذهنی آنها و معنادار شدن این مکان‌ها در گفتمان‌های دیداری-شنیداری آنها نائل آیند، و در واقع از طریق متمایز نمودن، تشخیص بخشیدن و بازیابی نحوه ارتباطات فردی یا اجتماعی شاهدان به پیدایی مکان‌های ناپیدا و ارتقای هویت این مکان‌ها یاری رسانند. در این راستا نمونه‌هایی از عناصر و جزئیات معماری مذهبی رشت در دوره پهلوی دوم را مشاهده می‌کنید، که توسط پژوهشگر برای ایجاد طوفان ذهنی و تقویت حافظه تصویری شاهد به کارگیری شده است (تصویر ۱).

در این راستا، شیوه‌هایی چون تبلور حس مکان و بازپروری حس تعلق از گذشته به مکان و فضا؛ تجدید خاطرات فردی و اجتماعی و بازسازی فعالیت‌ها و رویدادهای شهود شده و تجربه شده؛ تصور حضور و بازیابی روابط میان فضاهای درونی؛ تخمین مقیاس زمین و بنا؛ تعیین محصوریت فضایی؛ تصویرسازی نما و جهت‌یابی پلان، عناصر، جزئیات و جبهه‌های بنا؛ و تصور کالبد، تناسبات، و بافت، استفاده شده‌اند، روند پژوهشی از طریق رویکرد آزمون‌گاه معماری، به صورت گام به گام ذیل چهار فاز مطالعاتی شکل گرفت، شامل:

الف- پیش‌آزمون‌گاه معماری (جدول ۱)؛ فاز صفر: پیش‌زمینه ارائه فرضیه‌ها. ب- آزمون‌گاه معماری (جدول ۳)؛ فاز اول: ارائه فرضیه‌های اولیه. فاز دوم: آزمون فرضیه‌ها. فاز سوم: ارائه فرضیه‌ها و نظریه‌های تصویری (بازآفرینی تصویری ابنیه).

پیش‌آزمون‌گاه، مهیا کردن فضای آزمون‌گاه معماری، پس از بررسی نقشه‌ها، اسناد، سفرنامه‌ها و متون مختلف تاریخی، ابعاد و اندازه‌های مستخرج از منابع مکتوب در کنار ابعاد و اندازه‌های برداشت شده وضع موجود است؛ سپس فرضیه‌های اولیه میدان‌پژوه در چارچوب فضای آزمون‌گاه معماری شکل می‌گیرد،

و یا عاملان شکل‌گیری ابنیه به تاریخ سپرده شده، در واقع کلید جست‌وجوی پیدایی مکان‌ها در محدوده این پژوهش بوده است؛ مقصود از این مکان‌های ناپیدا، بناهای واجد ارزش تاریخی است که اکنون وجود خارجی، یا نمود عینی و کالبدی ندارند و منظور از فضاهای گمشده نیز ارتباطات جاری و ساری میان فضاهایی است که در برگیرنده این مکان‌ها (مانند: رویدادها یا خاطره‌های مرتبط با آنها) هستند.

• تاریخ شفاهی

می‌دانیم که تاریخ شفاهی در دوران معاصر پدید آمده، و نمایانگر نوع دیگری از تاریخ است که ما را قادر ساخته از طریق داده‌های شاهدان؛ دیدگاه و درک متفاوت‌تری از میراث سرزمین و نیاکان‌مان داشته باشیم (Veale & Schilling, 2004, 6). تاریخ شفاهی بهترین راهکار برای گردآوری اطلاعات دست اول در مورد موضوعات به فراموشی سپرده شده یا برخی از اسناد نوشتاری است که دستخوش غفلت شده‌اند و آن را برای رفع سوء تعبیرها یا پرکردن خلاء پژوهش‌ها در حوزه‌های مختلف به‌کار می‌گیرند (Quinlan, 2018, 33). از این منظر، منابع شفاهی در تاریخ‌نویسی، پیشینه‌ای بسیار طولانی دارد؛ اگرچه اقبال مورخان به این منابع در برخی دوره‌ها بیشتر و در برخی کمتر بود، تاریخ شفاهی در بدو پیدایش، بیشتر در حوزه تاریخ سیاسی و نظامی مطرح شد و به وقایع زندگی چهره‌های سرشناس اختصاص داشت. توجه به دیگر شاخه‌های تاریخی، همچون تاریخ هنر و معماری، و نیز وقایع زندگی مردم عادی در این عرصه، پدیده‌ای نو است. توجه به ذهنیت سازندگان رخدادهای گذشته و یافتن تفسیر ایشان در تاریخ شفاهی نیز مربوط به سال‌های اخیر است. بیشتر پژوهش‌ها با عنوان «تاریخ شفاهی معماری» محدود به زندگی و آثار معماران معاصر و برپایه صحبت‌های ایشان بوده است. پژوهش‌هایی در حوزه تاریخ محلی و برپایه گفته‌های مردم و درباره آثار قدیم معماری پدید آمده است (هاشمی، ۱۳۹۳، ۵۸). تاریخ شفاهی، می‌تواند برای مستندسازی تاریخ کالبدی یک مکان تاریخی مورد استفاده قرار گیرد، ویژگی‌های معماری یا منظر، تغییرات در طول زمان و کاربردهای فضا، همگی می‌توانند با استفاده از تاریخ شفاهی به‌عنوان روش‌شناسی ثبت شوند (Marcus, 2008, 2). از این منظر سنت شفاهی به‌مثابه یکی از منابع تاریخی به تولید و فرایند تولید اشاره دارد، منظور از تولید همان گزارش‌های شاهدان عینی است، این گزارشات یا داده‌های اولیه برآمده از مصاحبه میدان‌پژوه و شاهدان تا حدودی قابل اعتمادند و بدیهی است در موضوعات پیچیده نیازمند بررسی موشکافانه خواهد بود (Vansina, 2018, 22-25). از ویژگی‌های تاریخ شفاهی، اذعان به تأثیر و مداخله میدان‌پژوه و شاهد در روایت است، در واقع شاهد منبع تاریخ شفاهی است؛ اما میدان‌پژوه (مصاحبه‌گر) شفاهی است که او را به سخن گفتن وامی‌دارد و



تصویر ۱. نمونه هایی از تصاویر به کار گرفته شده در آزمون گاه معماری، مأخذ: ستوده، ۱۳۷۴، ۳۵۴-۳۹۶.

جدول ۱. روند پژوهشی فاز صفر در پیش آزمون گاه معماری. مأخذ: نگارنده.

روند استخراج پیش نیازهای فرضیه ها	تشریح فرایند استخراج داده های اولیه پژوهش
تعیین وضعیت موجود بناهای مذهبی	گام اول: تعیین موقعیت و مشخصات کلی ابنیه مذهبی
مصاحبه مقدماتی	مصاحبه مقدماتی درباره بناها
فرم «الف»: بررسی مشخصات معماری وضع موجود	گام دوم: شناسایی وضع موجود
فرم «ب»: بررسی مشخصات معماری قدیم	گام سوم: شناسایی تغییرات بناهای مذهبی در ادوار تاریخی
بررسی نقشه ها و تطبیق آنها با یکدیگر	گام چهارم: بررسی ابعاد، اندازه ابنیه و مقیاس گذاری نقشه ها و تصاویر هوایی
بررسی تصاویر قدیمی و عکس های هوایی	پس از نقشه های قدیمی، عکس های هوایی وارد پروژه شد و از میان آنها، عکس هوایی ۱۳۳۵ش به دلیل تکیه بر جزئیات دقیق انتخاب شد، و جانمایی و ابعاد کلی ابنیه مذهبی در نقشه ها با عکس های هوایی مذکور تطبیق داده شد.

شبیه‌سازی فرم بنا است، که رابط‌های میان پلان و فرم به‌مثابه حرکت توأمان از «کل به جزء» و از «جزء به فرم و یا پلان کلی بنا» برقرار می‌کند؛ بدین منظور شناخت فرم ضرورت می‌یابد، به نقل از آلبرت فری^۴ (Frey, 2008, 3) فرم، تحقق فیزیکی یک مفهوم درونی است، که بر روابط درونی و دریافت زیبایی‌شناسانه از پدیدار شدن حسی و گویای یک جسم دلالت دارد، و نمی‌توان آن را مانند یک پدیده مشخص تعریف کرد. افزون بر این، فرم در زبان‌های مختلف معادل‌های گوناگونی دارد (Amraee, 2014, 28) اما وسیوس ونگ^۵ معتقد است فرم یعنی هر چیزی که دیده می‌شود و شکل، اندازه، رنگ، و بافتار دارد، و در واقع شکلی مستقل و مثبت است که فضا را اشغال می‌کند (Wong, 2013, 140). هرچند که ارتباط تنگاتنگی میان فرم و شکل وجود دارد، اما در جهت تبیین بهتر این موضوع، گروتز^۶ با نقل‌قولی از لویی کان تمایز این دو مفهوم را با اشاره به یکسان نبودن شکل و فرم، شکل را در مرتبط با طرح، و فرم را متشکل از تجسم عناصر و اجزاء تفکیک‌پذیر می‌داند (Grutter, 2011, 117)، و به عبارت دیگر، طرح به تجسمی از عناصر بصری معماری، شامل: نقطه، خط، سطح، حجم واقعیت می‌بخشد، چراکه فرم در معماری شامل این عناصر بوده و متعاقباً فضای معماری نیز تحت تاثیر روابط میان این عناصر و حاصل ترکیب آنها است (اعرابی، ۱۳۹۲، ۲۰)، از این منظر ترکیب عناصری است که روش و سبک هماهنگی میان این عناصر برقرار کرده است (وزیری، ۱۳۸۳، ۲۱)، این هماهنگی‌ها فراتر از هر سبکی در تاریخ معماری، در قالب دو نظام کل‌نگر و جزءنگر بسط یافته است. در نظام کل‌نگر یک قاعده اصلی رابطه کل مطلوب و اجزاء سازنده آن را تبیین می‌کند، در نقطه مقابل و در نظام جزءنگر اجزاء با قاعده خاص تکرار شده (مشابه معماری دوره اسلامی) و کل مطلوب را می‌سازند. (Mosavi, 2012, 30)، بدین منظور پژوهشگر در راستای انسجام‌بخشی اطلاعات شاهدان برای تشخیص فرم داخلی و بیرونی ابنیه مذهبی، فضای آزمون‌گاه را با آزمون چیدمان فضایی پیشنهادی عناصر و جزئیات بناها از سوی شاهدان و پردازش گزینش‌ها توسط میدان‌پژوه از دست‌مبندی الگوهای تصویری ارائه شده، فراهم آورده است.

• بازشناسی عناصر و جزئیات

بازآفرینی تصویری عناصر و جزئیات، از طریق الگوسازی مبتنی بر تیپ‌شناسی آنها برای نمایش به شاهدان، ایجادگر چالشی برای یادآوری تصاویر پنهان یا محو شده ذهن شاهدان است. این چالش دوسویه هم نیازمند دقت، وسعت و کیفیت کار میدان‌پژوه است و هم به نوع کنش‌گری‌ها، واکنش‌ها و پاسخ‌های شاهدان به الگوهای پیشنهادی وابسته است. شاید یکی از عوامل سنجش کیفیت این نوع چالش، واکنش شاهدان از طریق گزینش الگوهای پیشنهادی طراحی شده است که در ساماندهی چارچوب ذهنی شاهدان تأثیرگذار بوده است.

در ادامه روش‌های به کار گرفته شده در بازیابی حافظه تصویری

از مؤلف‌ها و ویژگی‌های آزمون‌گاه معماری که ماحصل میانی نظری استخراج شده و مطالعات میدانی نگارنده بوده، می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد.

• حرکت فیزیکی / ذهنی در فضا- زمان

در آزمون‌گاه معماری آنچه عامل حرکت است، کنش یا واکنش میدان‌پژوه- شاهدان است، اما بستر حرکت در فضا رخ می‌دهد. فضا هم مفهومی ذهنی به خود می‌گیرد و هم عینی و کالبدی. این چرخش و حرکت از دو طرف مصاحبه قابل بررسی است. از این حیث محرک شاهد، خاطرات و تجاربی است که در رخدادهای گذشته روی داده است، و محرک مصاحبه‌گر (میدان‌پژوه)، داده‌ها و دانش او از مطالعات کتابخانه‌ای است. برهم کنش این دو محرک، خود عامل سوم حرکت در فضا است. اگر این فضا در ذهن شاهدان شکل می‌گیرد، حضور یافتن میدان‌پژوه و یا جست‌وجو برای حضور او در این فضا، وابستگی تام به مهارت و خلاقیت وی دارد، چراکه ویژگی‌های این فضای ذهنی، دارای ابعاد پیدا و پنهان بسیاری است که از چالش حرکت دید شاهد و تجربه حضور او در گذشته بر ذهنش نقش می‌بندد، و میدان‌پژوه علاوه بر کنترل مسیر مصاحبه باید درک‌کننده آنچه باشد که شاهد بر زبان می‌آورد و از سوی دیگر کاشف آن چیزی که در پس پرده ذهن او باقی مانده و هنوز مجال و مجرای برای بروز نیافته است. حرکت در فضا- زمان اگر در بستر فیزیکی نیز رخ دهد، مسئولیت میدان‌پژوه همچنان سنگین و تعیین‌کننده است. اینکه چه مسیری برای آزمون انتخاب شود، باز می‌شود به مطالعات پیشین کتابخانه‌ای و داده‌های شفاهی‌ای که در همان زمان حرکت و چرخش در فضا از سوی شاهد بیان می‌شود.

• بازشناسی موقعیت و جهت بنا

یکی از چالش‌های آزمون‌گاه معماری، شناخت موقعیت محلی ابنیه‌ای است که داده‌های کتابخانه‌ای موجود، در حد دانستن نام و یا چند داده جزئی و غیرقابل بازیابی، و یا قاب‌ها، مقیاس‌ها و نسبت‌هایی از یک نقشه قدیمی است. در این صورت آزمون‌گاه معماری شرایط سختی برای بازشناسی ابنیه‌ای پیدا می‌کند که بیشتر باید به ذهن یک یا چند شاهد اتکاء شده باشد. پژوهشگر برای آزمون سقم و صحت و اعتباربخشی به داده‌های شفاهی شاهدان، باید از آزمون‌های متنوع، متعدد و بعضاً متناقض و متضادی نیز استفاده کند. اینکه بنا در کدام بخش از خیابان یا بازار امروزی قرار گرفته، جبهه ورودی بنا کجا بوده، بازشوها در کدام جبهه قرار داشتند و پرداختن به دیگر عناصر و جزئیات مورد نظر، با اتکاء به داده‌های شفاهی یک یا چند شاهد نمی‌تواند تنها عامل پردازش تصویری بنای مدنظر باشد. در واقع می‌توان گفت چرخش در محیط در حال شبیه‌سازی از سوی شاهد، نیازمند بازسازی توأمان فضای فیزیکی- ذهنی، و زمان حضور/ وقوع است.

• بازشناسی پلان یا فرم بنا

رویکرد این پژوهش بازیابی حافظه تصویری، بازشناسی پلان، یا

براساس مؤلفه‌ها و ویژگی‌های معرفی شده و در آزمون‌گاه معماری با تدقیق در نمونه‌های موردی پژوهش حاضر، شامل کهن‌ابنیه: «مسجد درویش مخلص»، «مسجد چمارسرا»، «مسجد حاج حسن صالح‌آباد»، «مسجد ملاعلی محمد»، جدول ۲. روش‌های به کار گرفته شده بایابی حافظه تصویری براساس ویژگی‌های آزمون‌گاه. مأخذ: نگارنده.

شرح روش‌های هر ویژگی

ویژگی‌ها

حرکت ذهنی/ فیزیکی در فضا- زمان

به کارگیری روش «بازگشت به نقطه شروع حرکت در فضای بنا» از سوی میدان‌پژوه، عامل حرکت ذهنی شاهد در فضا- زمان بوده است. این روش در دو حالت قابل بررسی است. حالت نخست زمانی است که میدان‌پژوه در فضایی خارج از موقعیت بنای مورد مطالعه با شاهد مصاحبه می‌کند. در این حالت با اتکاء به تصویر ذهنی شاهد از بنا، جهت و تعداد عناصر و جزئیات آن مورد آزمون قرار می‌گیرد. این حالت همان حرکت یا جوشش ذهنی شاهد در بستر فضا- زمان است؛ نمونه این حالت «مسجد درویش مخلص» است.

در حالت دوم، حضور یا نزدیکی میدان‌پژوه و شاهد در موقعیت بنای قدیم، موجب تقویت بیشتر حافظه تصویری شاهد شده و ضریب خطا را برای شناسایی عوامل موردنظر کاهش می‌دهد. این حالت، همان حرکت فیزیکی در فضا- زمان است. این روش در «مسجد چمارسرا» استفاده شده است.

روش «بازگشت به نقطه شروع حرکت در فضای بنا» در این ویژگی آزمون‌گاه نیز قابل اجرا است. برای عبور از چالش بازشناسی عناصر و جزئیات از روش «مقایسه با عناصر وضع موجود» نیز استفاده شده است. این روش به گونه‌ای است که میدان‌پژوه در جهت تقویت حافظه تصویری شاهد، ارتفاع اجزای ابنیه قدیمی (مانند ارتفاع بام، ارتفاع ایوان و...) را با ارتفاع عناصر و جزئیات وضع موجود در محل آزمون‌گاه مقایسه می‌کند، این روش در «مسجد حاج حسن» استفاده شده است.

روش دیگر مورد استفاده توسط میدان‌پژوه در جانمایی اجزای بنا به وسیله شاهد، «روش آزمون و خطا» بوده است. این روش به گونه‌ای است که میدان‌پژوه با ترسیم چارچوب بنای قدیمی بر روی کاغذ و تعیین مکان‌های احتمالی اجزای مورد بررسی آن، این امکان را به شاهد می‌دهد که گزینه صحیح را انتخاب کند. این روش در مکان‌یابی گلدسته بنا در «مسجد چمارسرا» استفاده شده است.

یکی دیگر از این روش‌ها، «آزمون جهت دید» است، به گونه‌ای که شاهد توسط میدان‌پژوه هدایت شده و بر حافظه تصویری خود مشرف می‌شود؛ سپس براساس شناخت جهت دید از منظر حافظه تصویری خود، عناصر و جزئیات بنا را جانمایی می‌کند. میدان‌پژوه در جریان مطالعات میدانی دو حالت از این روش را استفاده کرده است، بشرح ذیل:

حالت الف- هنگامی است که محل آزمون‌گاه با فاصله نسبت به موقعیت بنای مورد مطالعه قرار گرفته است. در این حالت میدان‌پژوه با اعتماد به تصویر ذهنی شاهد از بنا، جهت دید او را مورد آزمون قرار می‌دهد تا زمانی که جانمایی اجزای بنا مشخص شود. این حالت در «مسجد درویش مخلص» استفاده شده است.

حالت ب- برخلاف حالت اول، در شرایطی دیگر میدان‌پژوه و شاهد نزدیک به موقعیت بنای قدیم قرار گرفته‌اند که در این حالت حافظه تصویری شاهد تحریک شده و اعتبار جهت دید وی در تشخیص جانمایی عناصر و جزئیات بنا افزایش می‌یابد. نمونه این حالت در تشخیص جایگاه نیم‌طبقه بانوان در «مسجد خورگامی» استفاده شده است.

روش دیگر مورد استفاده توسط میدان‌پژوه جهت تشخیص جانمایی اجزای بنا به وسیله شاهد، روش «نشانه‌گذاری همجواری‌ها» بوده است. این روش به گونه‌ای است که میدان‌پژوه با نشانه‌گذاری همجواری‌های موجود در موقعیت ابنیه مذهبی قدیمی، سبب تقویت حافظه تصویری شاهد می‌شود، در نتیجه وی با درصد خطای کم‌تری موقعیت عناصر و جزئیات بنای قدیمی را نسبت به این نشانه‌ها تشخیص می‌دهد. تفاوت این حالت با روش «نشانه‌گذاری از بناهای وضع موجود» آن است که در این روش میدان‌پژوه در جایگاهی نزدیک به موقعیت بنای مورد مطالعه با شاهد مصاحبه می‌کند، لیکن این روش در هر دو حالت وجود داشتن یا عدم وجود بنای مورد مطالعه قابل اجراست. نمونه این دو حالت در «مساجد ملاعلی محمد و چمارسرا» استفاده شده است.

روش «تشدید ذهن» به گونه‌ای است که میدان‌پژوه با ارائه الگوهای از عناصر معماری و همچنین تصاویر موجود از ابنیه مذهبی قدیمی، ذهن شاهد را تقویت کرده و سپس وی را در تشخیص جهت و جایگاه عناصر و جزئیات بنا مورد آزمون قرار می‌دهد. این روش معمولاً هنگامی استفاده می‌شود که بنای قدیمی تخریب شده است. امکان اجرای این روش در فضایی نزدیک و یا خارج از موقعیت بنای مورد بررسی وجود دارد؛ به جرأت می‌توان گفت این روش در تمامی ابنیه مذهبی محدوده مورد مطالعه استفاده شده است.

در شرایط آزمون‌گاه، هنگامی که شاهد قادر به انتقال صحیح داده‌های ذهنی خویش نیست، میدان‌پژوه از روش «همسانی عناصر در ابنیه مذهبی» استفاده کرده است. در این روش میدان‌پژوه با آزمون شباهت‌های اجزای بنای مورد مطالعه نسبت به عناصر ابنیه مذهبی دیگر، سبب تقویت حافظه تصویری شاهد شده و اعتبار تصاویر ذهنی وی در تشخیص ماهیت عناصر و جزئیات بنا را افزایش می‌دهد. این روش زمانی استفاده می‌شود که بنای مورد بررسی، تخریب شده و میدان‌پژوه در تلاش است از طریق حافظه تصویری شاهدان، این بنا را شبیه‌سازی کند. این روش در تشخیص ارتفاع و فرم گلدسته «مسجد درویش مخلص» و همسانی آن با گلدسته «مسجد ملاعلی محمد» استفاده شده است.

ویژگی‌ها

شرح روش‌های هر ویژگی

بازشناسی موقعیت و جهت بنا

جهت مکان‌یابی بناهای قدیمی توسط شاهد در شرایط آزمون‌گاه، میدان‌پژوه از روش «نشانه‌گذاری بناهای وضع موجود» استفاده کرده؛ در این روش میدان‌پژوه با نشانه‌گذاری بناهای موجود شناخته شده، حافظه تصویری شاهد را در موقعیت معین شده متمرکز می‌کند تا زمانی که مکان بناهای قدیمی نسبت به این نشانه‌ها توسط وی مشخص شود. از این روش در شرایطی استفاده می‌شود که بنای قدیمی تخریب شده و همچنین مصاحبه در فضایی دور از موقعیت بنای مورد مطالعه انجام می‌گیرد، این روش در جهت تشخیص جانمایی بناهای قدیمی پیرامون میدان شهرداری رشت استفاده شده است.

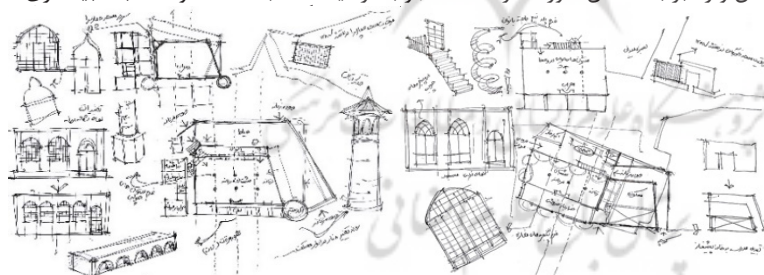
روش «ترسیم تصویر ذهنی توسط شاهد» به گونه‌ای است که شاهد از سوی میدان‌پژوه هدایت شده که تصویر ذهنی خود را در قالب نما و پلان بنا، ترسیم نماید. در این روش مانند دو حالت پیشین، محل آزمون‌گاه می‌تواند در فضایی نزدیک و یا خارج از موقعیت بنای مورد بررسی قرار گیرد؛ در تصویر ذیل، نمونه‌های ترسیمات ذهنی توسط شاهدان از مساجد رشت را مشاهده می‌کنید.



نمونه‌هایی از ترسیم تصویر ذهنی توسط شاهد در ابنیه مذهبی رشت (راست به چپ، مساجد: چهل تن، حاج حسن و لاکانی). مأخذ: نگارنده.

بازشناسی فرم و پلان بنا

روش دیگر، استفاده از «ترسیم تصویر ذهنی شاهد توسط میدان‌پژوه» بوده است، به گونه‌ای که میدان‌پژوه براساس گفته‌های شاهد، پلان، فرم را ترسیم می‌کند. در این روش میدان‌پژوه پس از اتمام مصاحبه و در فضایی به دور از محل آزمون‌گاه با استفاده از داده‌های جمع‌آوری شده، اقدام به ترسیم به صورت شماتیک می‌کند. این روش نیز در «مساجد خورگامی و درویش مخلص» استفاده شده است؛ نمونه ترسیمات میدان‌پژوه از تصویر ذهنی شاهدان در چارچوب آزمون‌گاه معماری در راستای بازشناسی فرم و پلان مسجد درویش مخلص، که برآمده از مصاحبه کرکسیون مانند، میان میدان‌پژوه به‌عنوان متخصص و راهبر با شاهدان صورت گرفته، تا منجر به ترسیمات نسبتاً مستند و متعاقباً شبیه‌سازی تصویری شود.



نمونه‌هایی از ترسیم تصویر ذهنی شاهد توسط میدان‌پژوه در ابنیه مذهبی رشت (راست به چپ، مساجد: خورگامی و چمارسرا). مأخذ: نگارنده.

بازشناسی کارکردها و عملکردها

روش «تمایز اجزای مشابه» هنگامی استفاده می‌شود که شاهد برای ابنیه مذهبی قدیمی کاربری‌های مشابه نام برده است. این روش می‌تواند در شکل‌گیری پلان بنا در دوره‌های مختلف تاریخی مؤثر واقع شود، نمونه این روش در تغییرات دوه پهلوی دوم «مسجد لاکانی» که دارای دو آبدارخانه بوده، استفاده شد، به گونه‌ای که میدان‌پژوه با هدایت شاهد موجب تمیزدادن کاربرد عناصر و جزئیات مشابه در بنا شد.

آزمون فرضیه‌ها در آزمون‌گاه معماری

فرضیه‌ها در شرایط «آزمون‌گاه معماری» برای حصول به فرضیه‌های تصویری در طی دو گام درهم‌تنیده با نتایج پژوهش‌های میدانی ارائه می‌شود که شامل ذیل است:

تصویری، در جدول ۳ به تفصیل مطرح می‌شود؛ روندی پژوهشی که تعریف‌گر رویکرد «آزمون‌گاه معماری» متکی بر ارائه و آزمون فرضیه‌ها و درنهایت بازآفرینی (یا فرضیه‌های تصویری است).

جدول ۳. روند پژوهشی فازهای اول، دوم و سوم در آزمون گاه معماری. مأخذ: نگارنده.

روند فرضیه‌سازی در آزمون گاه معماری		تشریح فرایند ارائه و آزمون فرضیه‌های پژوهش
گام اول	تیپ‌سازی و الگوسازی عناصر و جزئیات در محدوده پژوهش	براساس تمام بناهای موجود در دوره قاجار در محدوده پژوهش، عناصر و جزئیات ابنیه مذهبی تیپ‌سازی برای درب، پنجره و ستون و همینطور تزئینات گچی و کاشکاری در فضاهای داخلی و خارجی صورت گرفت، زیرا دوره شکوفایی معماری رشت از اواسط دوره قاجار به بعد بوده است.
گام دوم	مصاحبه عمیق با شاهدان کلیدی	در این گام مصاحبه‌های عمیق (یا تکمیلی) با شاهدان کلیدی که از مطلعین و شاهدان قبلی شناسایی شده‌اند و یا برای چندمین بار از مراحل و فاز قبلی به آنها رجوع شده، مصاحبه عمیق صورت می‌گیرد.
مدل‌سازی اولیه ابنیه در دوره پهلوی دوم		پس از گام مصاحبه عمیق و الگوسازی عناصر و جزئیات مبتنی بر فاز صفر و تحلیل داده‌های شفاهی، فرضیه‌های تصویری مقدماتی در قالب «مدل‌سازی اولیه» شکل گرفت، بشرح ذیل:
مدل‌سازی اولیه ابنیه در دوره پهلوی دوم		نمونه‌هایی از مدل‌سازی اولیه در ابنیه مذهبی رشت (راست به چپ، مساجد: چمارسرا و حاج‌حسن). مأخذ: نگارنده.
گام سوم	پس از گام مصاحبه عمیق مبتنی بر مطالعات کتابخانه‌ای و تحلیل داده‌های شفاهی، فرضیه‌های مقدماتی در قالب «پلان اولیه» شکل گرفت، برخی از نمونه‌ها بشرح ذیل:	
پلان اولیه ابنیه در دوره پهلوی دوم		نمونه‌هایی از پلان اولیه در ابنیه مذهبی رشت (راست به چپ، مساجد: درویش‌مخلص، ملاعلی‌محمد و چمارسرا). مأخذ: نگارنده.
گام اول	آزمون بررسی تناقضات ابنیه مذهبی	برای ابنیه‌ای که پس از گردآوری داده‌های شفاهی و مدل‌سازی‌های اولیه برپیمانی آن با تناقضات زیادی مواجه بوده‌اند از روش AHP برای بررسی تناقضات با تکیه بر نرم‌افزار Expert Choice استفاده شد، و تناقضات عناصر و جزئیات مورد بررسی قرار گرفت (جدول ۴).
گام دوم	به کارگیری «کُرسیون مرحله به مرحله»	این گام مختص ابنیه‌ای است که پس از گردآوری داده‌های شفاهی و مدل‌سازی‌های اولیه برپیمانی آن دارای ابهامات متعدد بوده، یا حتی تخریب شده‌اند. در این روش، شاهدانی که اطلاعات آنها در طول چند مصاحبه و آزموده شدن داده‌های ارائه شده توسط میدان پژوه، دارای اعتبار بیشتری است و از طرفی از حافظه تصویری خوبی برخوردارند؛ ایده‌ها و فرضیه‌های آنها با هدایت مصاحبه‌گر، بارها در جبهه‌ها و جهت‌های مختلف، براساس داده‌های ذهنی و تصویریشان آزموده شدند؛ و از روشی مشابه کُرسیون میان استاد و دانشجو در محیط دانشگاهی بصورت «کُرسیون مرحله به مرحله» در این گام استفاده شد تا با برهم کنش میدان پژوه و شاهد کلیدی بتوان به دقیق‌ترین پلان و مدل‌سازی رهنمون شود (تصویر ۲).
فاز دوم: آزمون فرضیه‌ها	گام دوم	با استناد به نتایج تمامی آزمون‌ها، مدل‌سازی‌های اولیه، تجزیه و تحلیل داده‌های شفاهی در کنار نتایج مطالعات کتابخانه‌ای، فرضیه‌ها و نظریه‌های حاصل بیان شد، که منجر به ارائه تصاویر سه بعدی نهایی تحت عنوان «بازآفرینی‌های تصویری» از ابنیه مذهبی رشت خواهد بود (جدول ۵).
فاز سوم: ارائه فرضیه‌های تصویری		

الف) آزمون بررسی تناقضات

یکی از چالش‌های تاریخ شفاهی، گزاره‌های متناقضی است که از سوی چند شاهد (حتی شاهدان کلیدی) مطرح می‌شوند، و برای ارزیابی صحت این گزاره‌ها از «فرایند تحلیل سلسله مراتبی»^۷ به‌عنوان روشی برای ارزش‌گذاری انتخاب شد. در ساختار کلی این فرایند، قضاوت‌ها از طریق طیف امتیازدهی از ۱ تا ۹ با مقایسات زوجی انجام می‌گیرد، بدین صورت که ابتدا اهمیت معیارها نسبت به هدف و سپس ارجحیت گزینه‌ها نسبت به هر یک از معیارها ارائه می‌شود و در نهایت وزن معیارها مشخص می‌شود. بدین منظور ۸ معیار اصلی، شامل: «تعداد»، «سن»، «سمت»، «مدت زمان سکونت در محل»، «سطح سواد»، «سنجش صحت دیگر گزاره‌های مطرح شده توسط شاهدان»، «هم‌خوانی گزاره با منابع مکتوب» و «ارتباط دیرپا با کهن‌بنا» به‌عنوان شاخصه‌های سنجش گزاره‌ها تعیین شدند، برای رتبه‌بندی شاخص‌ها در شرایط آزمون‌گاه معماری از روش AHP با کاربست نرم‌افزار Expert Choice استفاده شد؛ در این

مرحله، تناقضات موجود در عناصر و جزئیات کهن‌ابنیه، شامل: نوع، تعداد، جنس و تزئینات ستون؛ نوع، تعداد، فرم و تزئینات پنجره؛ تزئینات محراب؛ گلدسته و دیگر جزئیات بنا نظیر این‌ها در راستای رهیافت به شبیه‌سازی تصویری نمونه‌های موردی در محدوده پژوهش مشابه نمونه ارائه شده در جدول ۴ بررسی شد.

ب) آزمون «گرکسیون مرحله به مرحله»

بناهای دارای ابهامات متعدد که شامل برخی از بناهای مذهبی تاثیرگذار و کهن شهر رشت (نمونه‌های موردی این پژوهش)، شامل مساجد: درویش‌مخلص، ملاعلی‌محمد، چمارسرا، لاکانی، حاج حسن، خورگامی و چهل‌تن، پس از گردآوری داده‌های شفاهی، پلان‌ها و مدل‌سازی‌های اولیه بر مبنای آن، واجد شرایط حضور در این آزمون شده‌اند؛ در این آزمون، شاهدانی که اطلاعات آنها در طی چند مصاحبه و آزموده شدن داده‌های ارائه شده توسط میدان پژوه (در فاز اول)، دارای اعتبار بیشتری بوده و از حافله تصویری خوبی برخوردار بودند، در پژوهش حاضر به‌عنوان

جدول ۴. نمونه‌ای از «آزمون بررسی تناقضات» در ابنیه مذهبی رشت: گزاره نوع ستون در مسجد چمارسرا. مأخذ: نگارنده.

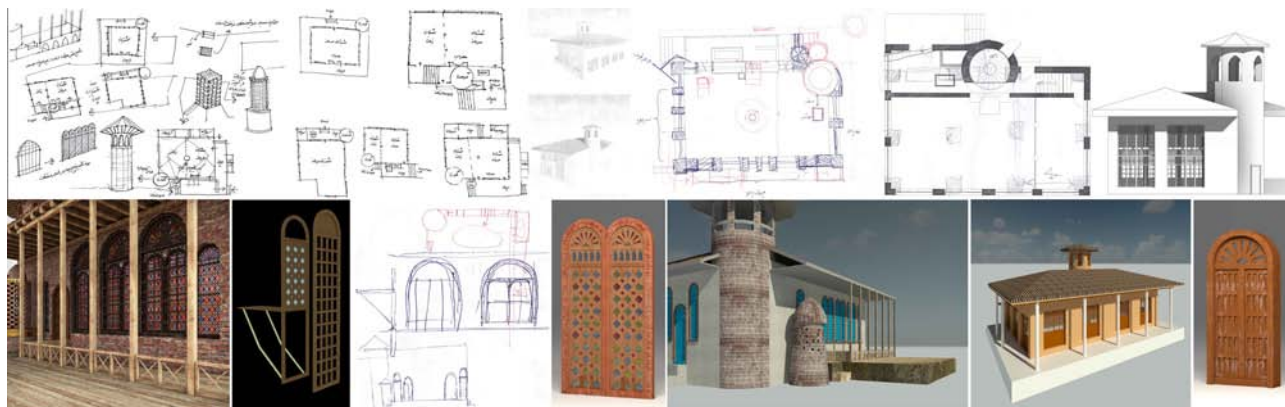
شاخص‌های تناقضات	تفسیر	نتیجه بررسی	وزن (ضریب)	۱. تزئینات ستون آجری	۲. تزئینات ستون چوبی	۳. تزئینات ستون چوبی و آجری	۴. فرضیه ستون نداشته
تعداد شاهدان	با توجه به مصاحبه میدانی، ۲ نفر از شاهدان ستون مسجد را آجری، ۱ نفر چوبی، ۷ نفر چوبی و آجری بیان کرده‌اند. به علاوه ۳ نفر از شاهدان نیز اعلام کرده اند که مسجد ستون نداشته است.	به نظر می‌رسد که با توجه به تعداد بیشتر شاهدانی که ستون مسجد را چوبی و آجری عنوان کرده‌اند، این گزینه درست باشد.	۰/۱۴۹	۳ ۰/۰۷۹	۱ ۰/۰۴۷	۷ ۰/۶۶۷	۵ ۰/۲۰۷
سن شاهدان	متوسط سن شاهدان کلیدی که ستون مسجد را آجری، چوبی، چوبی آجری اعلام کرده‌اند به ترتیب ۷۰، ۸۰ و ۶۵ سال است. همچنین از سن افرادی که مسجد را بدون ستون دانستند اطلاعاتی در دسترس نیست.	به نظر می‌رسد با توجه سن مصاحبه‌شوندگان این فرض که ستون مسجد چوبی بوده است، درست باشد.	۰/۲۲۰	۵ ۰/۲۰۷	۷ ۰/۰۶۶۷	۳ ۰/۰۷۹	۱ ۰/۰۴۷
سمت شاهدان	-	این گزینه در نتیجه‌گیری تأثیری نداشته است.	۰/۰۵۵	۱ ۰/۲۵	۱ ۰/۲۵	۱ ۰/۲۵	۱ ۰/۲۵
مدت زمان سکونت در محل	آقای رجبی پسیخانی به همراه همسرشان خانم عازمی از زمان قدیم در این محله دارای مغازه خیاطی بوده‌اند. همچنین آقای امین کسمایی نیز از زمان گذشته دارای مغازه شیرینی‌فروشی در مجاورت مسجد بوده‌است. اما از میزان سکونت سایر شاهدان در این محله اطلاعی در دست نیست.	با توجه به مدت زمان سکونت بیشتر شاهدانی که ستون مسجد را چوبی و آجری اعلام کرده‌اند، به نظر می‌رسد که این فرض که ستون چوبی و آجری بوده است، درست باشد.	۰/۰۵۳	۱ ۰/۱	۱ ۰/۱	۷ ۰/۷	۱ ۰/۱
سطح سواد شاهدان	-	این گزینه در نتیجه‌گیری تأثیری نداشته است.	۰/۰۲۲	۱ ۰/۲۵	۱ ۰/۲۵	۱ ۰/۲۵	۱ ۰/۲۵

ادامه جدول ۴.

شاخص های تناقضات	تفسیر	نتیجه بررسی	وزن (ضریب)	فرضیه ۱ ستون آجری	فرضیه ۲ ستون چوبی	فرضیه ۳ ستون چوبی و آجری	فرضیه ۴ ستون باداشته
سنجش صحت دیگر گزاره های مطرح شده توسط شاهدان	بررسی مصاحبه های میدانی نشان می دهد که صحت گفته های کلیه شاهدان درباره دیگر گزاره ها قابل استناد است.	بنابراین می توان گفت ادعای مطرح شده درباره نوع ستون از طرف کلیه شاهدان ممکن است درست باشد.	۰/۰۶۹	۱ ۰/۲۵	۱ ۰/۲۵	۱ ۰/۲۵	۱ ۰/۲۵
هم خوانی گزاره با منابع مکتوب	در منابع مکتوب اشاره به جنس ستون مسجد نشده است.	این گزینه در نتیجه گیری تأثیری نداشته است.	۰/۲۸۵	۱ ۰/۲۵	۱ ۰/۲۵	۱ ۰/۲۵	۱ ۰/۲۵
ارتباط دیرپا با کهن بنا	آقای رجبی پسیخانی به همراه همسرشان خانم عازمی از زمان قدیم در این محله دارای مغازه خیاطی بوده اند. همچنین آقای امین کسمایی نیز از زمان گذشته دارای مغازه شیرینی فروشی در مجاورت مسجد بوده است. ارتباط باقی شاهدان با مسجد به رفت و آمد به قهوه خانه روبه روی مسجد محدود می شود.	با توجه به این که سه مخبر مدت زمان طولانی ای است که با فضای داخلی مسجد در ارتباط هستند، می توان نتیجه گرفت فرضیه ستون چوبی و آجری درست باشد.	۰/۱۴۷	۱ ۰/۱	۷ ۰/۷	۱ ۰/۱	۱ ۰/۱
تفسیر نهایی: جمع بندی نتایج حاصل از تفاسیر و اعمال وزن گزاره ها، نشان می دهد ارزش فرضیه ۳ نسبت به فرضیه دیگر بیشتر بوده، فلذا ستون مسجد چهارسرا چوبی و آجری بوده است.							
				۰/۲۱۳	۰/۲۶۹	۰/۳۱۵	۰/۲۰۳

دانشجو در محیط های دانشگاهی و آکادمیک داشته است، این رویه علمی در پژوهش حاضر گرکسیون مرحله به مرحله میان میدان پژوه و شاهد (یا شاهدان) کلیدی با حافظه تصویری خوب است (جدول ۲)؛ شناسایی فرم و پلان بنا و متعاقبا تغییرات رخ داده در ادوار تاریخی (به ویژه از سال های پایانی دوره قاجار تا اواخر دوره پهلوی دوم) که برآمده از برهم کنش بین میدان پژوه و شاهد (یا شاهدان) کلیدی بوده (تصویر ۲)، و حاصل این فرایند را می توان رهیافت به محتمل ترین گزاره های علمی برپایه ویژگی های آزمون گاه

«شاهدان کلیدی» معرفی شده اند؛ فرضیه های آنها با هدایت مصاحبه گر (میدان پژوه)، بارها براساس داده های ذهنی شان، و ترسیمات و مدل های سه بعدی حاصل از مصاحبه های قبلی شان در جبهه ها و جهات مختلف آزموده شدند. چراکه مصاحبه کننده می دانسته به خاطره ها و خلق داستان های خاطره انگیز تنها با توسل به یک سلسله مفاهیم، تفاسیر و بازنمایی های گویا و معنادار برای راوی (یا شاهد) تحقق می پذیرد (Abrams, 2016, 64). از این منظر این آزمون ها شباهت بسیاری به گرکسیون (دروس طراحی) بین استاد و



تصویر ۲. نمونه هایی از ترسیمات روند «گرکسیون مرحله به مرحله» میان میدان پژوه و شاهدان کلیدی در ابنیه مذهبی رشت: مسجد درویش مخلص، مأخذ: نگارنده.

پژوهشگر، و با هدف دستیابی به تصاویر واقع‌گرایانه از بناهای کهن و انتقال تجربیات بصری، به منظور بازسازی مکان‌ها و فضاهای تاریخی در آینده و متعاقباً فهم بهتر معماری مذهبی رشت در سده‌های گذشته صورت گرفته است.

ج) ارائه روش‌های کارآمد برای استخراج هدفمند داده‌های شفاهی در راستای تحلیل دگرگونی معماری بومی منجمله در مصالح، فرم، مقیاس سلسله مراتب عمومی-خصوصی و تغییرات ارضی و بررسی توسعه و گسترش عناصر و جزئیات کهن‌بناهای در محدوده پژوهش در ادوار تاریخی و بازشناسایی وقایع رخ داده درباره آنها یا پیرامون‌شان است؛ که توانست هم‌افزایی میان منابع شفاهی، کتبی و تصویری را آشکار کند. د) هویت‌یابی معماری ملی-بومی از طریق شبیه‌سازی کالبدی-فضایی ابنیه تاریخی به‌ویژه بناهایی که اکنون آثاری از آنها باقی نمانده، یا بخش عمده‌ای از آنها دچار تخریب شده‌اند.

ه) بازیابی مشارکتی معماری کهن با تکیه تعامل دوسویه میدان پژوه و شاهدان با رویکرد آزمونگاه معماری، و به‌کارگیری آزمون گرکسیون مرحله به مرحله برآمده از این رویکرد در تدوین سیاست‌های طراحی میان‌افزا در بافت‌های تاریخی، باین‌حال این شیوه مشارکتی که تعامل دوسویه بین میدان پژوه (یا معمار و طراح یک پروژه) و شاهدان محلی (یک محدوده معین) است چنانچه در اهداف و برنامه‌ریزی‌های توسعه‌ای استودیوهای معماری و شرکت‌های مهندسی بهره‌گیری شود، نتایج متناسب با بستر پروژه را فراهم خواهد آورد.

و) بازآفرینی تصویری ابنیه کهن به اتکای مکان‌مند شدن فضای ذهنی شاهدان کلیدی و معنادار شدن این مکان‌ها، در چارچوب آزمونگاه معماری برای بازیابی حافظه تصویری بصورت هدفمند است.

ز) گردآوری مطالب تازه و دست اول درباره کهن‌بناهای محدوده پژوهش، متعاقباً شناسایی و معرفی «شاهدان کلیدی» که با عرضه خاطرات خود، تأثیرگذار در بازیابی بخشی از تاریخ شفاهی شهر، و آغازگر روند بازآفرینی تصویری کهن‌ابنیه در چارچوبی ساختارمند خواهند بود.

ح) کاربست رویکرد آزمونگاه معماری در طراحی میان‌افزا در بافت‌های تاریخی با هدف بازیابی ارزش‌های فرهنگی و افزودن لایه‌های تاریخی مطابق با شرایط زندگی معاصر که توانش آن را دارد منجر به خودنوگری^۸ کهن‌شهرها شود.

ط) خودنوگری شهرهای معاصر از طریق به‌کارگیری عناصر و الگوهای برآمده از فرضیه‌های تصویری در راستای ایجاد مجدد معماری هویت‌مند و حفاظت از ارزش‌های فرهنگی و تاریخی، و توسعه و بهسازی بافت‌های تاریخی.

ی) رهیافت به بازآفرینی تصویری مکان‌های ناپیدا و شناسایی

دانست؛ که محصول نهایی آن مدل‌سازی‌های توسعه بنا (جدول ۵) است که منجر به بازآفرینی تصویری کهن‌ابنیه می‌شود.

نتیجه‌گیری

نتایج حاصل از پژوهش نشان می‌دهد که انسجام بخشی به بافتار هویتی از طریق بازیابی مکان‌های ناپیدا و بازیابی هویت تاریخی بناهای مذهبی رشت متکی بر رویکردی کارآمد و نوین بوده، که هم تفسیر ناملموس رویدادهای تاریخی فضاهای گمشده پیرامون کهن‌بناهای شهر رشت را امکان‌پذیر کرده، و هم اینکه توانش بازسازی و مرمت ملموس و فیزیکی این بناها را با پاسخ به پرسش‌های بسیاری را میسر کرده، پرسش‌هایی که هرکدام‌شان تا پیش از این، چالش‌هایی لاینحل برای پژوهشگر بوده‌اند؛ در واقع فرضیه‌های تصویری برآمده از پژوهش حاضر در چارچوبی ساختارمند نمایانگر عناصر و جزئیات بناهای عمومی محدوده پژوهش (کهن‌بناهای مذهبی شهر رشت) بوده، و از این منظر رویکرد آزمونگاه معماری که توأمان دارای جنبه‌های شنیداری-دیداری است، و از آنجایی که رابط میان داده‌های شفاهی و تصویری است، نقش موثری در رهیافت به عناصر و جزئیات و بازیابی کهن‌ابنیه داشته است. در آزمونگاه معماری، پس از فاز مطالعاتی کتابخانه‌ای و میدانی اولیه (فاز صفر) نوبت به ارائه فرضیه‌ها (فاز اول) و آزمون فرضیه‌ها، شامل: گرکسیون مرحله به مرحله (میدان پژوه با شاهدان کلیدی) و آزمون بررسی تناقضات (فاز دوم) می‌رسد، از این منظر منجر به شکل‌گیری داده‌های عینی، فضایی و مکانی شده که در فاز سوم آزمونگاه معماری، فرضیه‌های تصویری احتمالی را عرضه داشته که ارائه‌دهنده فرضیه‌های تصویری در چارچوبی روشمند منجر به بازآفرینی بناها در ادوار تاریخی خواهد بود (جدول ۵).

روند توسعه کهن‌ابنیه ذیل آزمون فرضیه‌های علمی در چارچوب رویکرد «آزمونگاه معماری» را می‌توان در چگونگی دستیابی پژوهشگر به شبیه‌سازی تصویری عناصر و جزئیات معماری و مدل‌سازی کهن‌ابنیه براساس کاوش‌های میدانی مبتنی بر داده‌های شفاهی دانست؛ و طبعاً طراحی میان‌افزا با به‌کارگیری رویکرد آزمونگاه معماری در بافت‌های تاریخی کهن‌شهرها با هدف توسعه مجدد را می‌توان در موارد ذیل جست‌وجو کرد:

الف) هویت‌نگاری فضاهای گمشده شهری (متکی بر داده‌های شفاهی شاهدان کلیدی) و بازآفرینی تصویری بناهای شاخص ناپیدا (مفقود شده)، در راستای بازیابی بخشی از میراث فرهنگی شهر رشت صورت گرفته است.

ب) کاربست نرم‌افزارهای سه‌بعدی در «گرکسیون مرحله به مرحله» برای ایجاد ارتباط دوسویه میان شاهدان کلیدی و

۲. Snowball Sampling.
۳. Christian Norberg-Schulz.
۴. Albert Frey.
۵. Wucius Wong.
۶. Jorg Kurt Grutter.
۷. Analytic Hierarchy Process AHP.
۸. Autopoiesis.

فضاهای گمشده در برگیرنده این مکان‌ها تکیه بر ارتباط بین بازنمایی (یا بازآفرینی) یک بنای کهن و به‌کارگیری داده‌های شفاهی در طی آزمون‌های علمی در شیوه‌های بصری دارد، به بیان ساده‌تر آزمون‌گاه معماری رابط میان داده‌های شفاهی و داده‌های تصویری است.

پی‌نوشت‌ها

۱. Convenience Sampling.

جدول ۵. روند فرضیه‌های تصویری در شرایط آزمون‌گاه معماری. مأخذ: نگارنده.

موردی	بازآفرینی تصویری نمونه‌های	آزمون تناقضات گزاره‌ها	روش‌های بازیابی حافظه تصویری	موردی
موردی	بازآفرینی تصویری دوره قاجار، مأخذ: نگارنده.	مدل‌سازی‌های تغییرات در ادوار تاریخی (با رنگ‌بندی معین) و توسعه عناصر و جزئیات کهن: ابنیه را براساس «گرسیون مرحله به مرحله»	۱- حرکت فیزیکی در فضا- زمان. ۲- آزمون و خطا. ۳- ترسیم تصویر ذهنی شاهد توسط میدان پژوه. ۴- روش تشدید ذهن. ۵- نشانه‌گذاری همجوارها.	مسجد دروازه مخل
موردی	بازآفرینی تصویری اوایل دوره پهلوی دوم، مأخذ: نگارنده.	۱- گزاره نوع پنجره (ارسی / لنگه‌ای). ۲- گزاره فرم پنجره (قوس‌دار / مستطیلی). ۳- گزاره نوع ستون (آجری / آجری-چوبی / چوبی / فاقد ستون) در جدول ۴. ۴- گزاره تعداد پنجره (چهار پنجره / هشت پنجره).	۱- حرکت ذهنی در فضا- زمان (بازگشت به نقطه‌ای شروع حرکت در فضای بنا). ۲- روش تشدید ذهن. ۳- همسانی عناصر در ابنیه مذهبی. ۴- ترسیم تصویر ذهنی شاهد توسط میدان پژوه. ۵- آزمون جهت دید.	مسجد دروازه مخل
موردی	بازآفرینی تصویری دوره پهلوی اول، مأخذ: نگارنده.	۱- گزاره تعداد ستون (یک ستون / دو ستون / فاقد ستون). ۲- گزاره وجود گلدسته (گلدسته داشته / فاقد گلدسته). ۳- گزاره نوع پنجره (ارسی / لنگه‌ای). ۴- گزاره نوع ستون (آجری / چوبی). ۵- گزاره تزئینات پنجره (پنجره بی‌رنگ / پنجره رنگی).	۱- ترسیم تصویر ذهنی شاهد توسط میدان پژوه. ۲- روش تشدید ذهن. ۳- حرکت فیزیکی در فضا- زمان. ۴- آزمون جهت دید (چالش بازشناسی عناصر و جزئیات).	مسجد دروازه مخل

نمونه‌های موردی	روش‌های بازیابی حافظه تصویری	آزمون تناقضات گزاره‌ها	مدل‌سازی‌های تغییرات در ادوار تاریخی (با رنگ‌بندی معین) و توسعه عناصر و جزئیات کهن: ابنیه را بر اساس «گرکسیون مرحله به مرحله»	بازآفرینی تصویری نمونه‌های موردی
مسجد حاج حسن صالح آباد	۱- روش مقایسه با عناصر وضع موجود. ۲- ترسیم تصویر ذهنی توسط شاهد. ۳- روش تشدید ذهن.	۱- گزاره نوع ستون (چوبی/ آجری/ فاقد ستون). ۲- گزاره نوع پنجره (ارسی/ لنگه‌ای).	مدل‌سازی دوره پهلوی اول: مأخذ نگارنده مدل‌سازی اواسط دوره پهلوی دوم: مأخذ نگارنده	بازآفرینی تصویری دوره پهلوی اول، مأخذ: نگارنده.
مسجد چهل ستون	۱- ترسیم تصویر ذهنی توسط شاهد. ۲- روش تشدید ذهن. ۳- حرکت ذهنی در فضا- زمان (بازگشت به نقطه‌ی شروع حرکت در فضای بنا).	۱- گزاره تزئینات پنجره (شیشه‌های بی‌رنگ/ شیشه‌های رنگی). ۲- گزاره تعداد ستون (یک ستون/ دو ستون).		بازآفرینی تصویری اواخر دوره پهلوی دوم، مأخذ: نگارنده.
مسجد ملا علی محمد	۱- نشانه‌گذاری همجواری‌ها. ۲- همسانی عناصر در ابنیه مذهبی. ۳- حرکت فیزیکی در فضا- زمان. ۴- روش تشدید ذهن.	۱- گزاره نوع ستون (چوبی/ آجری). ۲- گزاره تزئینات محراب (گچ‌بری/ گچ‌بری و کاشیکاری/ فاقد تزئین).		بازآفرینی تصویری دوره پهلوی اول، مأخذ: نگارنده.
مسجد لاکانی	۱- ترسیم تصویر ذهنی توسط شاهد. ۲- روش تشدید ذهن. ۳- تمایز اجزای مشابه (چالش بازشناسی کارکردها و عملکردها).	۱- گزاره تزئینات پنجره (پنجره بی‌رنگ/ پنجره رنگی/ مشجر). ۲- گزاره نوع ستون (چوبی/ آجری).		بازآفرینی تصویری دوره پهلوی اول، مأخذ: نگارنده.

فهرست منابع

تاریخ دانشگاه اصفهان، مصاحبه در تاریخ شفاهی: مجموعه مقالات چهارمین نشست تخصصی و کارگاه آموزشی تاریخ شفاهی (۶ و ۷ اسفند ۱۳۸۶) (صص. ۵۴۹-۵۵۹). انتشارات سوره مهر.

• جوان‌بخت، محمد. (۱۳۹۴). نقش تخیل در مصاحبه تاریخ شفاهی. در واحد تاریخ شفاهی مرکز مطالعات و تحقیقات فرهنگ و ادب پایداری حوزه هنری و گروه تاریخ دانشگاه اصفهان. مصاحبه در تاریخ شفاهی: مجموعه

• ادیب حاج باقری، محسن؛ پرویزی، سرور و صلصالی، مهوش. (۱۳۸۲). روش‌های تحقیق کیفی، نشر و تبلیغ بشری.

• اعرابی، جعفر. (۱۳۹۲). آفرینش فرم. انتشارات کتابکده کسری.

• آقایی، عباس. (۱۳۹۴). بایدها و نبایدها در تاریخ شفاهی. در واحد تاریخ شفاهی مرکز مطالعات و تحقیقات فرهنگ و ادب پایداری حوزه هنری و گروه

- Groat, L. N., & Wang, D. (2005). *Architectural research methods* (A. Einifer, Trans.). Tehran University Publications. (Original work published 1954)
- Gutter, J. K. (2011). *Ästhetik der Architektur : Grundlagen der Architektur-Wahrnehmung* (M. Dowlatkhah & S. Hemmati, Trans.). Dolatmand. (Original work published 1987)
- Hyacinth Louis, R. (2012). *Les provinces caspiennes de la Perse: le Gilan* (J. Khammamizad, Trans.). Taati.
- Marcus, B. (2008). Oral History and the Documentation of Historic Sites: Recording Sense of Place. *16th ICOMOS General Assembly and International Symposium*, Canada. <https://shorturl.at/h3ftZ>
- Mosavi, F. (2012). *The function of form* (M. Miyanji & F. Nazari, Trans.). Alam Memar Royal. (Original work published 1341)
- Norberg Schulz, C. (2014). *Architecture: meaning and place* (V. Nowruz Borazjani, Trans.). Parham Naqsh. (Original work published 1998)
- Norberg Schulz, C. (2014). *Existence, space and architecture* (V. Nowruz Borazjani, Trans.). Parham Naqsh. (Original work published 1974)
- Quinlan, M. K. (2018). *The oral history manual* (R. Mohajer, Trans.). National Archives and Library Organization of the Islamic Republic of Iran. (Original work published 2002)
- Rezvani, M. R., & Ahmadi, A. (2008). Place and the Role of Culture in Shaping the Place Identity. *Journal of Culture-Communication Studies*, 10(6), 45-68. <https://doi.org/20.1001.1.20088760.1388.10.6.3.0>
- Safaeipour, H. (2016). Architectural Anthropology: Introducing a Method for Recording the Design Thoughts of Contemporary Traditional Iranian Architects. *Methodology of Social Sciences and Humanities*, 22(89), 79-106. https://method.rihu.ac.ir/article_1291.html?lang=en
- Vansina, J. (2018). *Oral tradition as history* (F. Nambaradershad, Trans.). Historians Publication. (Original work published 2017)
- Veale, S., & Schilling, K. (2004). *Talking history: Oral history guidelines*. Department of Environment & Conservation (NSW).
- Wong, W. (2013). *Principles of form and design* (A. Bidarbakht & N. Lavasani, Trans.). Ni published. (Original work published 1993)
- مقالات چهارمین نشست تخصصی و کارگاه آموزشی تاریخ شفاهی (۶ و ۷ اسفند ۱۳۸۶) (صص. ۵۴۱-۵۴۷). انتشارات سورهی مهر.
- حائری، محمدرضا. (۱۳۹۳). نقش فضا در معماری ایران: هفت گفتار درباره زبان و توان معماری. دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- ستوده، منوچهر. (۱۳۷۴). از آستارا تا استارباد: آثار و بناهای تاریخی گیلان بیه پس. نشر آگه.
- سرمد، زهره؛ بازرگان، عباس و حجازی، الهه. (۱۳۹۳). روش‌های تحقیق در علوم رفتاری. نشر آگه.
- سفردوست، احمد. (۱۳۸۴). پژوهش در شناخت هویت کالبد شهر رشت. وزارت مسکن و شهرسازی: سازمان عمران و بهسازی شهری.
- شکویی، حسین. (۱۳۷۱). فلسفه جغرافیا. گیتاشناسی.
- شورچه، محمود. (۱۳۹۴). مکتب‌های جغرافیایی (از آغاز تا کنون). انتشارات پرهام‌نقش.
- قیومی بیدهندی، مهرداد. (۱۳۹۳). مقدمه‌ای بر تاریخ شفاهی معماری ایران. انتشارات روزنه.
- وزیری، علینقی. (۱۳۸۳). تاریخ عمومی هنرهای مصور: قبل از تاریخ تا اسلام. انتشارات دانشگاه تهران.
- هاشمی، سیده میترا. (۱۳۹۳). مقدمه‌ای بر تاریخ شفاهی معماری ایران. انتشارات روزنه.
- Abrams, L. (2016). *Oral History Theory*. Routledge.
- Amraee, B. (2014). Intersemiotic Analyses of Relation between Form and Space. *Journal of Fine Arts: Visual Arts*, 19(4), 25-36. <https://doi.org/10.22059/jfava.2014.55418>
- Ardhyanto, A., Dewancker, B. J., Tsai, Y. L., & Heryana, R. E. (2023). Memory Recollection and Oral History: A Study of Vernacular Architecture Transformation of the Past. *Journal of Asian Architecture and Building Engineering*, 22(1). <https://doi.org/10.1080/13467581.2023.2204951>
- Cantero Vinuesa, A. (2022). To speak in order to inhabit: oral tools for the history, analysis, and design of architecture. *Cuadernos de Proyectos Arquitectónicos*, 12. <https://doi.org/10.20868/cpa.2022.12.4963>
- Frey, A. (2008). *In search of a Living architecture* (M. Zohriyastin & M. Sarikhani, Trans.). poshtoutan. (Original work published 1993)
- Groat, L. N. (2005). *Architectural research methods* (A. Einifer, Trans.). Tehran University. (Original work published 2002)

COPYRIGHTS

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to the Bagh-e Nazar Journal. This is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).



نحوه ارجاع به این مقاله:
بلورچی، مصطفی. (۱۴۰۴). آزمون‌گاه معماری؛ رویکردی نوین در بازآفرینی تصویری مکان‌های ناپیدا در شهرهای کهن (مطالعه موردی: بناهای مذهبی شهر رشت). *باغ نظر*, ۲۲ (۱۴۷), ۵۱-۶۶.

DOI: [10.22034/bagh.2025.486484.5697](https://doi.org/10.22034/bagh.2025.486484.5697)
URL: https://www.bagh-sj.com/article_224510.html

